



گفت و شنود در زمینه آزادی دین و باور

به ویژه در ارتباط با باورمندان

گفت و شنود در زمینه آزادی دین و باور

به ویژه در ارتباط با باورمندان



توانا
TAVANA

آموزشکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران
e-collaborative
for civic education



www.tavaana.org

پروژه

e-collaborative
for civic education

www.eciviced.org

گفت‌و شنود در زمینه آزادی دین و باور
به‌ویژه در ارتباط با باورمندان

طرح روی جلد: در کافه پاریس، اثر ژرژ کروگارت، قرن ۱۹ م.

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

بهار ۱۴۰۵

© E-Collaborative for Civic Education 2026

e-collaborative for civic education

(ECCE (E-Collaborative Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا تحت 501c3 است که از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می‌کند.

ما به عنوان بنیان‌گذاران و مدیران این سازمان اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل‌دهنده ایده‌های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان‌طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آن‌ها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی‌های شهروندی و سیاسی برای تک‌تک شهروندان و امنیت، برابری و عدالت می‌داند. ما دموکراسی را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نهادها و فرایندها می‌دانیم که میسر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکررگرایی و جوامعی شایسته‌سالار است که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارج می‌گذارند.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزش‌شکده توانا: آموزش‌شکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزش‌شکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره‌های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وب‌نوشتی، جدایی دین و دولت و توانایی‌های رهبری ارائه می‌شوند. آموزش‌شکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه‌هایی مثل مطالعات موردی در جنبش‌های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با کنشگران و روشنفکران، دستورالعمل‌های خودآموز، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی‌های آموزش‌شکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایران و صداهای حذف‌شده است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده‌های آنان در جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه‌نگاری، کنشگری و فناوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هم‌وطنان ایرانی و برساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه‌ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما!

فهرست

۷	مقدمه
۹	یک- گفت‌وگو گاهی غیرممکن است، اما در بیش‌تر زمان‌ها کاملاً شدنی است!
۱۰	دو- گفت‌وگو به معنای کشمکش، برنده‌شدن یا تسلیم نیست
۱۱	سه- واقعیت‌ها مهمند، اما احساسات هم مهمند
۱۲	چهار- عقاید را نقد کنید، نه ارزش انسانی افراد را
۱۳	پنج- بر ارزش‌های مشترک انسانی تاکید کنید
۱۴	شش- وجدان را در کنار آموزه‌ها فراموش نکنید
۱۵	هفت- تلاش نکنید عقاید خود را تحمیل کنید
۱۶	هشت- حق انتخاب انسان را به یاد داشته باشید
۱۷	نه- به روان‌شناسی و زمان مناسب توجه کنید
۱۸	ده- قواعد گفت‌ووشنود را بشناسید و هماهنگ کنید
۱۹	یازده- در دام جنگ‌های بی‌پایان تاریخی نیفتید
۲۰	دوازده- گفت‌وگو نیازمند شجاعت است

مقدمه

آزادی دین و باور، فقط به معنای حق داشتن یا نداشتن یک عقیده مذهبی نیست، بلکه به معنای حق هر انسان برای اندیشیدن، پرسیدن، تردیدکردن، باورداشتن، تغییر عقیده یا حتی ترک باورهای پیشین است. در جهان امروز، که جوامع بیش از هر زمان دیگری با تنوع فکری، فرهنگی و دینی روبه‌رو هستند، توانایی گفت‌وگو میان افرادی با باورهای متفاوت به یکی از مهم‌ترین مهارت‌های انسانی و اجتماعی تبدیل شده است. با این حال، گفت‌وشنود درباره دین، بی‌دینی، معنویت، آزادی وجدان و مسائل مرتبط با آن، اغلب دشوار، حساس و آمیخته با احساسات عمیق انسانی است. بسیاری از مردم باورهای دینی یا فلسفی خود را بخشی از هویت، خانواده، خاطرات، امیدها، ترس‌ها و تجربه‌های زیسته خود می‌دانند. به همین دلیل، این گفت‌وگوها گاهی به سرعت از مسیر تفاهم خارج شده و به تنش، سوء تفاهم یا حتی دشمنی تبدیل می‌شوند.

این راهنمای کوتاه برای افرادی تهیه شده است که می‌خواهند در چنین فضاهایی انسانی‌تر، خردمندانه‌تر و موثرتر گفت‌وگو کنند؛ چه فعالان حقوق بشر باشند، چه کنشگران مدافع آزادی دین و باور، چه افراد مذهبی، خداناباور، ندانم‌گرا و چه کسانی که صرفاً در زندگی روزمره با اختلاف‌نظرهای دینی و اعتقادی روبه‌رو می‌شوند.

هدف این متن آن نیست که به افراد بیاموزد چگونه دیگران را شکست دهند، تحقیر کنند یا به تغییر عقیده وادار نمایند. هدف اصلی، تقویت فرهنگ گفت‌وشنود محترمانه،

کاهش تنش‌های ناشی از اختلافات فکری، دفاع از کرامت انسانی و یادآوری این نکته است که حتی در عمیق‌ترین اختلاف‌ها نیز می‌توان انسانیت مشترک را حفظ کرد. این راهنما تلاش می‌کند مجموعه‌ای از اصول عملی و انسانی را ارائه دهد که به افراد کمک کند در بحث‌های حساس مربوط به دین و باور، هم از آزادی اندیشه دفاع کنند و هم حرمت و شان انسان‌ها را از یاد نبرند. زیرا جامعه‌ای آزاد و سالم تنها زمانی شکل می‌گیرد که انسان‌ها بتوانند بدون ترس، اجبار، تحقیر یا خشونت، درباره باورهای خود سخن بگویند و در عین حال حق متفاوت اندیشیدن دیگران را نیز به رسمیت بشناسند.

یک- گفت‌وگو گاهی غیرممکن است، اما در بیش‌تر زمان‌ها کاملاً شدنی است!

هستند افرادی که واقعا نمی‌توان از آنان انتظار داشت در یک گفت‌وشنود مسالمت‌آمیز معنادار شرکت کنند. بسیاری از منتقدان گفت‌وشنود مسالمت‌آمیز با باورمندان مذهبی ادعا می‌کنند که متدینین به حرف‌های دیگران گوش نمی‌دهند. این امر به‌ویژه وقتی شدت می‌گیرد که کشور و جامعه درگیر تاریخی از خشونت‌های ریز و درشت مذهبی شده باشد. با نگاهی جامع، باید گفت متأسفانه گاهی افراد به شکلی فعال و عمدی از شرکت در گفت‌وشنود خودداری می‌کنند، یا گفت‌وشنود را نیز به عرصه خشونت و اعمال زور تبدیل می‌کنند. اما این افراد الزاما اکثریت ندارند.

هنوز بسیاری از باورمندان و معتقدین، به گفت‌وشنود سازنده و شنیدن نظرات دیگران علاقه دارند، چه نظرات افراد بدون دین، و چه نظرات افرادی از باورهای متفاوت. در واقع بسیاری از افراد معتقد خود از خشونت و اعمال زور یا اجبار عقاید دینی ناراحتند. در نتیجه، اگر طرف‌های گفت‌وشنود به ارزش‌های بنیادینی مانند مدارا، گشودگی به نظرات مختلف و مخالف، احترام و شکیبایی پایبند باشند، گفت‌وشنود هنوز در بسیاری از موارد ممکن و ثمربخش است.

دو- گفت‌وگو به معنای کشمکش، برنده‌شدن یا تسلیم نیست

گفت‌وگو به این معنا نیست که از باورهای خود دست بکشید یا وانمود کنید همه عقاید به یک اندازه درست هستند. گفت‌وگو یعنی پذیرفتن این واقعیت که انسان‌ها حتی در شدیدترین اختلاف‌نظرها نیز سزاوار کرامت و آزادی‌اند. هدف گفت‌وگو لزوماً توافق یا نتیجه‌گیری نیست، بلکه فهم متقابل، همزیستی و ارتباطی مسالمت‌آمیز است. گاهی فقط شنیدن داستان واقعی زندگی طرف دیگر ارزشی بالا و تاثیری شدید دارد. بیش‌تر مردم با شنیدن داستان‌ها و تجربه‌های واقعی افراد دیگر، با نگاهی انسانی‌تر به اندیشه‌های آنان می‌نگرند، بدون آن‌که لزوماً با نظرات آنان موافق باشند. باید دقت کنیم که میان «درک دیگری» و «هم‌نظر بودن با دیگری» تفاوت وجود دارد: می‌توان دیگری را درک کرد، بدون آن‌که با نظرات او موافق بود.

سه- واقعیت‌ها مهمند، اما احساسات هم مهمند

بسیاری از ما تلاش می‌کنیم هنگام اندیشیدن یا گفت‌و شنود، به واقعیت‌ها، شواهد و مستندات یا استدلال قوی روی بیاوریم. هنگام صحبت در زمینه باورهای دینی این چیزها بسیار مهم هستند، اما باید به خاطر داشت که این‌ها «همه چیز» نیستند. فراموش نکنید که برای بسیاری از مردم، دین فقط مجموعه‌ای از عقاید نیست. دین ممکن است با هویت، خانواده، اندوه، امید، ترس، اخلاق یا احساس تعلق گره خورده باشد. به همین دلیل حتی اطلاعات دقیق و درست نیز ممکن است اگر با تحقیر یا توهین بیان شوند، شنیده نشوند. برای بسیاری از مردم، دین و باور مذهبی شاید تنها دلخوشی زندگی باشد. باید در نظر داشت که چقدر دردناک است از کسی تنها دلخوشی زندگی‌اش را سلب کنیم یا حتی آن دلخوشی را تهدید کنیم. البته لازم نیست حقیقت را پنهان کنید یا از اصول خود عقب‌نشینی کنید، اما اگر هدف‌تان گفت‌و گوست و نه صرفاً درگیری، توجه به احساسات اهمیت دارد. آرامش، صبوری و همدلی اغلب افراد را آماده‌تر می‌کند تا بشنوند. شاید بهتر است به افراد بگوییم که هدف ما آزردن آن‌ها نیست، یا گاهی یادآوری کنیم که متوجه هستیم موضوعی که داریم درباره آن صحبت می‌کنیم ممکن است برای آن‌ها آزاردهنده باشد. این کمک می‌کند گفت‌و شنود به دشمنی تبدیل نشود.

چهار- عقاید را نقد کنید، نه ارزش انسانی افراد را

باورها، ایدئولوژی‌ها و آموزه‌های دینی را می‌توان نقد و رد کرد یا به چالش کشید. اما تحقیر خود انسان‌ها معمولا به گفت‌وگویی سازنده منجر نمی‌شود. ممکن است فردی عقایدی نادرست یا زیان‌بار داشته باشد، اما همچنان سزاوار برخورد انسانی و محترمانه باشد. جداکردن نقد عقیده از نفرت نسبت به انسان‌ها کمک می‌کند گفت‌وگو از مسیر خود خارج نشود. این کار البته راحت نیست؛ به‌ویژه وقتی افراد ارزش خود را با اندیشه‌ها یا عقایدشان گره می‌زنند.

شاید بد نباشد گاهی به افراد یادآوری کرد که همه انسان‌ها (از جمله آن‌ها) پیش از این‌که به یک دین خاص باور داشته باشند، باز هم انسان و ارزشمند بوده‌اند. این درست است که گاهی ممکن است در خودمان تمایلی پیدا کنیم که عقیده‌ای نادرست را به‌شدت سرزنش یا تحقیر کنیم، اما باید از خود پرسیم چه فایده عملی از این کار به دست خواهد آمد؟ به نظر می‌رسد تقریبا هیچ انسانی نیست که به دلیل این‌که به او فحش داده‌اند باور خود را عوض کرده باشد! چنین عملی فقط منجر به پایان گفت‌ووشنود و احتمالا نابودی رابطه خواهد شد.

پنج- بر ارزش‌های مشترک انسانی تاکید کنید

ارزش‌هایی مانند صداقت، شفقت، عدالت، آزادی، کرامت انسانی، انصاف و مسئولیت‌پذیری متعلق به هیچ دین یا ایدئولوژی خاصی نیستند. این‌ها ارزش‌هایی انسانی‌اند که در سنت‌ها و جهان‌بینی‌های مختلف دیده می‌شوند. در گفت‌وگوهای دشوار، بازگشت به این ارزش‌های مشترک می‌تواند از شدت تنش بکاهد و زمینه‌ای مشترک ایجاد کند. حتی افرادی با باورهای کاملاً متفاوت ممکن است در مخالفت با ظلم، فساد، تحقیر یا خشونت هم‌نظر باشند.

گاهی نیاز است این را به همه طرف‌های گفت‌و شنود یادآوری کرد. «شما هم به دنبال عدالت هستید، من هم به دنبال عدالت هستم». چنین جمله‌ای می‌تواند مسیر بحث را کاملاً عوض کند. باید یادآوری کرد که بیش‌تر افراد در کلی‌ترین اصول مشترکند. مهم این است که بتوان با هم به درکی مشترک رسید یا دست‌کم از اختلافات کاست.

شش- وجدان را در کنار آموزه‌ها فراموش نکنید

بسیاری از مردم طوری تربیت شده‌اند که اطاعت از آموزه‌های دینی یا رهبران مذهبی را در اولویت قرار می‌دهند. در گفت‌وگو گاهی مفید است به‌آرامی یادآوری کنیم که وجدان انسانی نیز اهمیت دارد. در واقع گاهی باید به دوستان خودمان که باورهای متفاوتی دارند یادآوری کنیم که اجرای احکام دینی آن‌ها تا وقتی که حقوق دیگران را نقض نکند هیچ مشکلی درست نمی‌کند؛ هر قدر هم که ما با آن احکام مخالف باشیم. اما اگر یک حکم دینی خاص با وجدان انسانی در تضاد قرار بگیرد شاید بهتر است دومی را انتخاب کرد.

افراد ممکن است انتخاب کنند که از فرامین دینی پیروی کنند، اما مسئولیت اخلاقی همچنان بر عهده خود انسان است. تاریخ نشان داده که گاهی اعمال زیان‌بار به نام دین، ایدئولوژی، ملی‌گرایی یا حتی قانون توجیه شده‌اند. گوش دادن به ندای وجدان می‌تواند به انسان‌ها کمک کند اخلاقی‌تر و نقادانه‌تر ببینند. می‌توان به افراد یادآوری کرد که آنچه ما از احکام دینی انجام می‌دهیم، در نهایت «برداشت» ما از این است که آن احکام چگونه باید اجرا شوند، چون هیچ کس به خدا دسترسی ندارد! به همین دلیل بهتر است بر «برداشت»‌های خودمان تعصبی بیش از حد نداشته باشیم.

هفت- تلاش نکنید عقاید خود را تحمیل کنید

تحمیل عقیده معمولاً به مقاومت بیش‌تر منجر می‌شود، نه تأمل و تغییر. این موضوع هم درباره تبلیغ دینی صادق است و هم درباره حمله ضددینی. متأسفانه این درست است که بعضی سنت‌های مذهبی تحمیل عقائد را مجاز می‌دانند. در عمل دیده‌ایم که در کشوری مانند ایران این تحمیل تا به کجا پیش رفته است. پوشش دینی برای زنان، تحمیل اعمال مذهبی مانند نماز در مدرسه‌ها و نمونه‌های دیگر، همگی انواعی از تحمیل عقاید هستند. عرصه گفت‌وشنود را نباید (و نمی‌شود) به عرصه تحمیل باورها و اصرار درباره آن‌ها بدل ساخت. دیدگاه خود را صادقانه و روشن مطرح کنید، اما به دیگران نیز اجازه دهید فکر کنند، سوال بپرسند و خودشان تصمیم بگیرند. تغییر واقعی معمولاً تدریجی است. فراموش نکنید که بسیاری از افراد حتی زمانی که در درون تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، آشکارا آن را بیان نمی‌کنند.

هشت- حق انتخاب انسان را به یاد داشته باشید

یکی از ریشه‌های تنش‌های دینی و ایدئولوژیک این تصور است که انسان‌ها «باید» به چیزی خاص باور داشته باشند. برای بعضی از مردم این فکری طبیعی است. مثلاً ممکن است فکر کنند که انسان یا باید به خدا باور داشته باشد یا به نبودن خدا. اما آیا واقعاً چنین است؟

آزادی باور یعنی حق داشتن باور، بی‌باوری، تردید، تغییر عقیده، بازتفسیر آموزه‌ها یا حتی ترک یک دین. حتی در درون یک دین نیز افراد برداشت‌های متفاوتی از آموزه‌ها دارند. پذیرش این آزادی انسانی می‌تواند از جزم‌اندیشی بکاهد و گفت‌وگو را سالم‌تر کند. گاهی بد نیست این نکته را یادآوری کنید که اگر عقیده‌ای «درست» است، نیاز چندانی به این که آن را با یک «باید» همراه کنیم وجود ندارد؛ به ویژه اگر آن باید با تهدید یا خشونت فیزیکی همراه شود. در عین حال فراموش نکنید اگر کسی باوری دارد که از دید شما اشتباه یا حتی خرافی است، باز هم نمی‌توان گفت او «باید» آن باور را ترک کند. عرصه اندیشه عرصه آزادی است و حتی حاکمان خشن تاریخ نیز نتوانسته‌اند آن را با زور برای طولانی مدت کنترل کنند. البته ظاهر امور را می‌توان تا حدی با زور دستکاری کرد. اما فکر و باور، آزادانه به سیر خود ادامه خواهد داد.

نه- به روان‌شناسی و زمان مناسب توجه کنید

هنگام گفت‌وشنودهای حساس، باید به یاد داشته باشیم که همه لحظه‌ها برای همه بحث‌ها مناسب نیستند. گاهی افراد خشمگین، غمگین، ترسیده یا تحت فشار روانی‌اند. در چنین شرایطی، شاید گفت‌وشنود حمایتی مناسب داشته باشد، اما گفت‌وشنودی که درباره اختلافات فکری باشد معمولاً فایده زیادی ندارد. بنابراین، حالات روانی و خلقی طرف‌ها را در نظر بگیرید.

روش بیان یا لحن ما بر حالات روان‌شناختی تأثیری شدید دارد. با احترام سوال بپرسید. با دقت گوش دهید. تلاش کنید بفهمید طرف مقابل واقعاً چه می‌اندیشد، نه این‌که صرفاً فرض کنید. لحن محترمانه اغلب از قوی‌ترین استدلال‌ها هم تأثیرگذارتر است. اگر طرف مقابل احساسی از آزرده‌گی یا خستگی نشان می‌دهد، گاهی صرفاً با اشاره به آن می‌توانید فضا را مدیریت کنید: «متوجه هستم که حرف من ممکن است شما را ناراحت کرده باشد».

گاهی لازم است نیت خود را برای طرف مقابل یادآوری کنید: «هدف من دعواکردن نیست، من به دنبال گفت‌وشنود هستم». اگر احساس می‌کنید طرف مقابل آمادگی روانی ادامه گفت‌وشنود را ندارد، می‌توانید پیشنهاد دهید که بحث را در زمان دیگری ادامه دهید.

ده- قواعد گفت‌وشنود را بشناسید و هماهنگ کنید

گاهی لازم است قواعدی برای گفت‌وشنود داشته باشیم. مثلاً این‌که در میان صحبت هم نیاییم (یا به اصطلاح، نپریم). گاهی لازم است برای گفتارمان زمان در نظر بگیریم تا بحث یک‌سویه نشود. گاهی نیز می‌توان در زمینه موضوع گفت‌وشنود هماهنگی داشت؛ مثلاً چه موضوعی را مطرح کنیم و به چه موضوعی ورود نکنیم.

یازده- در دام جنگ‌های بی‌پایان تاریخی نیفتید

یکی از دشواری‌های معمول گفت‌و شنود در زمینه مسائل دینی و مذهبی، ورود به موضوع‌های گسترده تاریخی است. ادیانی که پیروان زیادی دارند، مانند هندوئیسم، مسیحیت یا اسلام، تاریخی طولانی نیز دارند. بحث‌های تاریخی درباره ادیان، فرقه‌ها، امپراتوری‌ها یا جنگ‌های گذشته، اغلب آمیخته با احساسات و روایت‌های جانبدارانه‌اند. بسیاری از رخداد‌های تاریخی ناقص، مبهم یا محل اختلافند.

البته تاریخ مهم است اما گفت‌و گوها زمانی سازنده‌تر می‌شوند که علاوه بر گذشته، بر واقعیت‌های انسانی امروز نیز تمرکز کنند: کرامت، آزادی، عدالت، خشونت، تبعیض و امکان همزیستی. گاهی بهتر است به موضوع‌های مهمی که امروز پیش پای ما است تمرکز کنیم، تا این که بخواهیم معماهای تاریخی پیچیده‌ای را حل کنیم که صدها سال افراد زیادی را گرفتار خود کرده است.

رسیدن به همزیستی شاید نیازی به این نداشته باشد که بدانیم یک شخصیت مذهبی در پانصد سال گذشته چگونه می‌اندیشده، آیا ازدواج کرده یا چگونه در گذشته است. در واقع به نظر می‌رسد برعکس است: رسیدن به توافق، همدلی بیش‌تر و دور شدن از کدورت و نفرت، احتمالاً با گذشت از این مجادلات تاریخی به دست خواهد آمد.

دوازده- گفت‌وگو نیازمند شجاعت است

گفت‌وشنود در زمینه مسائلی که به باور یا ناباورمندی مرتبط است نیازمند شجاعت است. توهین، تمسخر یا حذف دیگران بسیار آسان‌تر از گفت‌وگوی محترمانه در دل اختلافات عمیق است. گفت‌وگوی واقعی به فروتنی فکری، صبوری و اعتماد به نفس نیاز دارد. باید تاکید کنیم که برای ارتباط انسانی لازم نیست نقد را کنار بگذارید. اتفاقاً نقد زمانی تاثیرگذارتر می‌شود که متفکرانه، اصولی و محترمانه بیان شود. این چیزی است که شجاعت می‌خواهد: بیان صادقانه آنچه می‌اندیشیم، همزمان، بدون آن که خودمان را سانسور کنیم یا دیگران را عامدانه آزار دهیم.

پا پس کشیدن از گفت‌وشنود گاهی می‌تواند انتخابی خوب و شجاعانه باشد؛ به‌خصوص وقتی طرف دیگر این را نشانه ترس تصور کند. گاهی نیز ماندن در گفت‌وشنود و ادامه مسیر هم‌اندیشی انتخابی شجاعانه است. مثلاً ممکن است ما خودمان را در موقعیتی بیابیم که با پدر یا مادر یا بستگان دیگرمان در حال گفت‌وشنود هستیم ولی نظرات ما درباره دین یا خدا با آنان متفاوت است. بیان نظرات متفاوت در این شرایط نیاز به شجاعت دارد! این‌جا هم نیازمند در نظر گرفتن احساسات و توجه به روان‌شناسی گفت‌وشنود هستیم، هم برای طرف مقابل و هم برای خودمان. اگر از آشکارسازی باورهای واقعی خودمان هراس داریم، گاهی باید این ترس و هراس را شناسایی کنیم و با شجاعت و متانت گفت‌وشنود را ادامه دهیم.

